

توفان

اگن سازمان مارکسیستی توفان

نخست وزیر شوری

در مهمانی در بارود دولت

راد پوی روزیونیت های ایران طبل و کوزل و معروفانه خورداد کهپروان روزیونیتها در ایران بمناسبت ورود نخست وزیر شوری تراکت هائی منتشر ساخته و جیرمفد گفته اند .

صحناین خبر مسلم نیست . ولی مسلم است که کلیه محافل وابستہ بر رژیم محمد رضا شاه ، همه روزنامه های مزد روزان امنیت ایراب از مذهب و طیفه صرفی شاه با تیره نخست وزیر شوری بحوسی برآمد هائین شماره های متعدد اطلاعات که از طرف شوری ها روزنامه " زینتو " و " منکس کننده افکار عمومی " تقدیر کرده است . گواهی میدهد که قاطبه چاکران رژیم کودتا در امر نیتیت به سود اگری های کا - سیگین - محمد رضا شاه دوشادوش روزیونیتها در حرکت کنند . راین کارناوالی که از فذد کون نیست های سوگند خورد ه ، جاسوسان سرشناس امپریالیسم و وطن فروشان حرفهای و عارتکران اجتماعی به راه افتاد هاست روزیونیتها نیز جانی دارند ، منتها چون در لیاس پهلوانان و در نقش قهرمانان به چنین کارناوالی پیوسته اند و رجز هم میخوانند بمهراب مضحک تر و حتی نعترا نکیز ترازد یکران اند ، نعترا نکیزی آنها بویژه در آن است که نام حزب توده ایران را بر پیشانی خود زده اند و میخوانند پرچی را که از خون شهیدان محمد رضا شاه لگلول است در پشت سر پرچم محمد رضا شاه بحسط کنند .

چرا حیانت کاران ایران از ورود نخست وزیر شوری با یکدیگر و در افغان اسسجبال ننگند ؟ نماینده دولتی که حظگی سنا خارجی خود را صریحاً همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم اعلام داشته و نعترا نشان انقلاب را در شرق و غرب بر عهدہ گرفته است ، توصیه سیاست تسلیم طلبی بگوش خلقهای عاصی عرب می خواند ، دستگیر و زخمیان خونریز ملت انگلزی ، آرایشگر رژیم حیانت بار فاتنر لومبیا ، مددکار سیاه کارانی نظیر کنندگان چهکارا است برای رژیم کودتا مسیحا دم است . امپریالیسم امریکا بطور عمد میتواند به هیئت فرمانروای ایران از طریق کودتا ، تسلیم اسلحه ، اعزام کارشناسان تروور اختناق و یامد اخله مسلحانه کمک برساند . ولی هیچ یک از این تمهیدات پرحرح امریکا قادر نیست نیزی لقبی را برای حکومت محمد رضا شاه تحصیل کند بلکه ماهیت ضد ملی آنرا بیست از پیش در منظر خلق میکشرد . رنگ آمیزی این ماهیت ، چندیندی خلق و اعطای " گواهی نامه حسن خدمت و حسن سابقه " بحکومت محمد رضا شاه با روزیونیتسم معاشرت . درست است که روزیونیتها نیز اسلحه داده و میدهند و معلوم نیست در آینده تا چه اندازه از امبریای حفظ منافع خود از شیوه های خشن امپریالیستی نیز استفاده کنند ، ولی تمهیدات اصلی آنها در برابر رژیم ایران در شرایط کنونی از عمان نوبی است که ذکر شد ؛ اقدام روحیه انقلابی ملت ایران در پیشگاه امپریالیسم و روزیونیتسم . برای محمد رضا شاه و حامیان امپریالیست او چه از این کرانهها تر که نخست وزیری که عنوان " متولی " اردوگاه سوسیالیسم " را حفظ کرده است " سلاستی شخص اول مملکت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران و سلاستی علیا حضرت فرح شهنازی ایران را آرزو کند " و سیاست خارجی رژیم کودتا را - رژیم که امپریالیسم امریکا برای استقرار آن طبق منابع رسمی اداره جاسوسی ۱۱ میلیون دلار خرج کرد - " سیاست خارجی ملی و مستقل " بشمارد .

البته این خدمت بزرگ نخست وزیر شوری بی اجر نمیانند . امیر - یالیست ها با هم از این نمند لگلهی دارند . راهی بسوی بازار ایران برای او گشودند ، لگله های جیبی از حوان بیعی ایران ند هان او گذاشتند ، در سینه میبسن برستان ایران برای گلزنه ها او جای باز کردند . هم اکنون روزنامهها خبر میدهند که ملت روزیونیتها بیخه در صفحه ۲

ضد انقلاب در ضد انقلاب

تحولاتی که در حوضجف و عمد ستایش میخواستند در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و جنوب شرقی اروپا رور داده و عیاگون روی میدهد ، حوادثی که غی ماههای اخیر در کشورهای جنبه واهی ، لهستان و حتی اتحاد شوروی گذشته و میکند و میبواند موجب ناخر و تالم و دستا واهی خلق و فاداران به سوسیالیسم و مایه حشودی دشمنان خلق و دشمنان سوسیالیسم باشد . این حوادث همه شمرات نامبارک و نتایج شوم فعالیت بدشت عداقتی است که توانستند در حزب و دولت قدرت را در دست خود متمرکز سازند ، کونیستهای واقعی را از صحنه صانیت برانند و با افکار و اعمال خود بتدریج دستاوردهای گرانقدر غده کارکولچههای اسیر و مستکفیده جهان را بر باد دهند ، دستاوردهای طیفه کارکولچہ بشریت شرقی و بویژه طیفه کارکولچہ قهرمان شوری با دادن قربانیهای بسیار و تحمل محرومیتها فراوان بدست آوردند . اگر طیفه کارکولچہ در جنبش زحمتکش با موفق در برابر این تحول خدانافذی وسیر فخرشراقی نایستند ، با برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در دشمنان سوسیالیسم را در اخل سرکوب ننگد و کورراسوی سوسیالیسم باز نگرداند ، جامعه این کشورها یک دوران تاریخی بقبقرابا خواهد گذشت و بار یکدیگری عاجز در حشندگی ستاره سرخ را خواهد ژرت .

سراغزایب حوادث کنگره بیستم حزب کونیست اتحاد شوروی است . در این کنگره محرومیتها کسکی سال تمام با تزویر و ریاچهره گریه صد انقلابی خود را در زیر پاه انقلاب و سوسیالیسم پویانند میبند تحت عنوان " چند مسئله تشویر " ، مسال را بکنگره بیستم و بیست و یکمین کونیستی جهانی عرضه داشت . دواصل " همزیستی مسالمت آمیز " و " کد رسالمت آمیز " راه بر تریب معنی " همکار با امپریالیسم و ارتجاع " و " حل کویری از انقلاب " است همه کس میشناسد . نتایج تحقیق این دواصل را در عمل ، ما ایرانیان بهتر از هر کس دیگری با دیدگان خود میبینیم و سنگینی آن را بر دوش خود احساس میکنیم . اما در باره اصل سوم که اصل تنوع ساختمان سوسیالیسم در کشورهای مختلف است کمتر گفتگو میمان آمد هاست . این اصل لسنی از آن جهت مزورانه بیان کشیده شده که از یک سو " سوسیالیسم " از نوع یوگسلاوی را که احزاب کونیست جهان بدرستی آنرا بمشابه انحراف از سوسیالیسم محکوم کرده بودند تشریح و توجیه کنند و از سوی دیگر بر روی تمام

۱) کشور پر افتخار آلبانی که مانند سنگ خارا در برابر امواج روزیونیتسم بر جای ایستاد و هم اکنون مانند ستاره درخشانی بر راه سوسیالیسم پرتو می افکند در زمره این کشورها شمار نماید

رویزیونیت های ایران و کنگره راسیون

در افتادن با این نیروی سیاسی " موجب تشدید اختلاف و تفرقه " می شود و جنبش دانشجویی را بضعف و نا کامی میکشاند برای یک دانشجویان حائز اهمیت است که ضمن دفع حملات تبلیغاتی منظم روزیونیتها حزب توده ایران حصلت و علت این حملات را ارزیابی کنند و از آنها درس بگیرند . این درس نه تنها بمبارازات کنگره راسیون کمک میکند بلکه میتواند به جنبش اجتماعی یک دانشجویان دقت بیشتری بخشد . بنا بر این از نظر ما حملات دستگاہهای تبلیغاتی روزیونیتها به کنگره راسیون برای جنبش دانشجویی امر خوبی است نه بسد . و این اولین باری نیست که ما این واقعیت را حاضر نشان میسازیم امروزه بسیاری از دانشجویان بحوسی میدانند که چرا جنبش دانشجویی آنها مورد حمله روزیونیتها قرار گرفته است و بیبوند این حمله با سیاست عمومی روزیونیتها چیست . چندی پیش روزیونیتها جزوای بنام " ما و کنگره راسیون " انتشار دادند . انتشار جزوه منورنه اولین حمله روزیونیتها به جنبش شرقی دانشجویان بود و نه آخرین آن . ولی جزوه مذکور ربابید بعنوان جمع بندی بیشتر ترجمانه روزیونیتهای حزب توده ایران در مورد جنبش دانشجویی دانست . ما با وجود محدودیت امکانات و حجم " توفان " میکشیم بر حور روزیونیتها حزب توده را نسبت به جنبش دانشجویی جمع بندی نائیم و عیان سازیم که آنها از جنبش چه میخوانند :

از آنروز که روزیونیتها اتحاد جماهیر شوروی با آنها ی خلق های زحمتکش ایران خیانت ورزیدند و بحمایت از محمد رضا شاه - دشمن شماره یک مردم ایران - شناختند ، طبعاً خشم و نفرت نیروهای ملی و دموکراتیک ایران را برانگیختند . کنگره راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی نیز بمشابه جسی از نهضت ملی و دموکراتیک مردم ایران نمیتوانست از این رهگذر بر کنار بماند و این روش خصمانه دولت روزیونیتی شوروی را نسبت بحلقهای اسیر ایران محکوم سازد . اگر کنگره راسیون به انجام چنین وظیفهای پرداخت بدان خاطر نبود که با اصطلاح میخواند لقمه های بزرگ را ز دهان خود بر دارد و " جای حالی احزاب را پر کند " .

ولی روزیونیتها حزب توده ایران از جنبش دانشجویی چنین انتظاری نداشتند . آنها با کلیه وسائل کوشیدند که این جنبش را از انجام چنین وظیفهای باز دارند . اگر چه آنان دیگر نمی توانستند لغتاً خصلت ملی و دموکراتیک جنبش و کنگره راسیون دانشجویان را انکار کنند ولی کوشیدند چنین وانمود کنند که گویا محکوم کردن کنگهای شوروی بمحمد رضا شاه " مابین حصلت ملی و دموکراتیک جنبش دانشجویان ایرانی و در نتیجه بزبان آن میبایند . آنها از حصلت ملی و دموکراتیک جنبش این را می فهمیدند که کنگره راسیون با هیچ نیروی سیاسی - ولو این نیرو بچنگ با مردم ایران هم پرداخته باشد - در نیفتد . زیرا بمعینده آنها

پیشرو زباده مبارزه قهرآمین خالق دلاور فایده طلبین

زیر انقلاب در بقیه از هر ۱ تمام کشورهای سوسیالیستی این رفرمها را آغاز کردند. برای آنکه مقیاسی از این رفرمها بدست داده باشیم ذکر چند رقم بیاوریم نیست. در لهستان از سال ۱۹۵۶ بعد هشت هزار گنبراتی تولیدی سوسیالیستی منحل اعلام گردید و تولید انفرادی جای آنها را گرفت. بر طبق آمار رسمی در سال ۱۹۶۶ تعداد موسسات خصوصی که بحساب خود فعالیت تولیدی و اقتصادی میبرد اختنعبارت بود از ۷۰۰۰ کارخانه کوچک، ۱۵۰۰۰ موسسه تجارتی و ۱۴۷۰۰۰ کارگاه؛ ظرف سال گذشته تعداد بسیاری از موسسات کوچک دولتی و گنبراتیوی بافرااد واگذار گردید و بصورت موسسات خصوصی درآمد. از آنجمله است یکپارک رستوران و کافه، پنجپارک فروشگاه کوچک و غیره. نقشه پنجساله اقتصادی بهیچوجه در زمان محدود ساختن این بخش خصوصی نیست برعکس روی بسط و گسترش آن است. همراه با این رفرمهای تولیدی و اقتصادی بتدریج تغییراتی حزبی تغییر مییابد. اکنون در حزب "کمونیست" لهستان کارگران بیش از ۳۰٪ اعضا را تشکیل نمیدهند. کارگران از مقامات حساب حزبی برکنار گردیده و یکی آنها را شرمنازی از امر و روشنگر میهند سین، تکسین هاو نویسدگان میگردند.

در نتیجه رفرمهای اقتصادی قشرهای بورژوازی تازه ای در جامعه پدید آمده فشرهائی که اهرم های اقتصاد و تولید را در دست گرفته اند و علاقه مند اند که با رفرمها راندن از پیشتر سریع تر بشود و رونمای تازه ای متناسب با آنها پدید گردند. بگفته یلیگان مدیر تلویزیون پراگ "رفرم در زندگی ما ساختمانهای تازه ای ایجاد گردید و لازم بود که حزب با کارکنان دولتی و اقتصادی و گروه های دیگر اختیار عمل بیشتری بدهد. این اقدام نتیجه

نخستین رفرم بقیه از هر ۱ تدارک میشود که از جمله است خرید منابع عظیمی اسلحه از شوروی و واگذاری منابع عظیم سنگ مس در شمال غربی یاشوروی. به پیرویه است که روزنامه آیزوستیا (شماره ۲ آوریل) کشف منابع مذکور را "معرفی کننده ایران عصر ما" نامیده است. واقعیت این است که در هیچ عصری چنین تعداد کثیری از معالک خارجی در غارت منابع ثروت ما شرکت نداشتند. این خصوصیت شومی از ایران عصر ما است که برای رفرمهای مبارک است.

رفرمهای کشورهای ایران از تاثیر استقلال بخش کبکهای اقتصاد شوروی بیاریان سخن میگویند و میخواهند خلق ایران را با این سفسطه بفریبند که گویا با وجود بقای حکومتی که مخلوق امپریالیسم و زیر یوغ امپریالیسم است، با وجود سلطه امپریالیسم امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن، ایتالیا، کشور ما میتواند بدست رفرمهای خود استقلال و ترقی و رفاه فراز آید. این ادعای آنها در حکم نفی ماهیت امپریالیسم، نفی لزوم مبارزه حلقه با نفی لزوم انقلاب است و افسوس است بمنظور اینکه زنجیر تازه ای از اسارت برنجیروهای کهن بیافزایند. نمونه کشورهاییکه رفرمهای آنها سالها پیش با آنها همگوشی اند در جلوی ما است.

هندوستان نمونه عبرت انگیزی است. چه منابع عظیمی که رفرمهای کشورهای شوروی بخاطر تامین نفوذ خویشی و در خیال محاصره چین سخن به بورژوازی هند نثار کرده اند و بجای آن کارخانه دوکارخانه ذوب آهن برای آن ساختند. ولی هر روزی که گذشت قزو بسی خانمانی خلق زحمتکش هند خانمانسوز تر شد، تعداد بینوایانیکه از گرسنگی در کارگاههای محاصره شده ها هزارگشته ارنجبا سر بلند کرده سیاست هند پیوسته در جهت تاملات امپریالیسم دشمنی با حلقه های انقلابی، فتنه انگیزی بر علیه ژیرا فتنه روستاها است که چنین توده های است پیشتر وقت در مورد ایران نیز چنین است و چنین خواهد بود. روزنامه اطلاعات در ۲۷ خرداد ۱۳۴۶ با علم به ماهیت امر اظهار شادمانی کرد که "امروز روسها در نظرات خودشان نسبت با ایران تجدید نظر کرده اند" و بد رستی تاکید کرد که ایران در سیاست "مستقل" خود همان سیاست گالان دالس و شوانزنگ و انرف پهلوی در آستانه کودتای ۲۸ مرداد در سوتیس طرح آن را ریختند. همچنان با برجاست سفر نخست وزیر شوروی با ایران مرحله ای از سیاست نواستعماری رفرمهای کشورهای شوروی و مظهری از همکاری عمیق آنها با امپریالیسم امریکا در تقسیم جهان است. پیروان د مبارزه انقلابی خلق ایران بر علیه امپریالیسم، رفرمهای و رژیم ایرانی مورد حمایت آنها.

مطلقاً رفرمهای اقتصادی بود زیرا این رقم در صورتی میبایست بحیات خود ادامه دهد که هیچ مداخله سیاسی راه آنرا سد نکند. برای آنکه هیچ مداخله سیاسی "جلوی این رقم را نگیرد لازم بود که رفرمهای آنها که نقش خود را بشانه محلل بازی کرده بودند کنار برند. در این جاست که مبارزه میان قشر جدید و رفرمهای بورژوازی در زیر شعار "بورژوازی لیبرالیسم" و "دموکراتیزاسیون" در میگیرد. این مبارزه هم اکنون در لهستان و در اتحاد شوروی جریان دارد. در چکسلواکی بحالت وجود عوامل مساعد این مبارزه بیرونی فشرده پدید آمده است. بوژوازی "کمونیست" و رئیس جمهور کشور مجبور شد از سمت دبیری حزب و سپس از مقام ریاست جمهوری استعفا کند، در دنبال او عده دیگری از مقامات خود استعفا کردند. اکنون بتدریج ولی با سرعت بورژوازیهای رفرمهای آنها را از برکنار میشوند و افرادیکه در جریان رفرم سالهای اخیر رو آمده اند بجای آنان می نشینند. شعار "دموکراتیزاسیون" در واقع وسیله ای است برای آنکه بقایای سوسیالیسم را نیز مورد دستبرد قرار دهند. نظری به یارهای از نکات برنامه حزب "کمونیست" چکسلواکی که جسته گریخته در مطبوعات انتشار یافته در این زمینه جای تردیدی باقی نمیگذارد.

این برنامه در زمینه اقتصادی که دولت را به موسسات تولیدی حذب میکند. این موسسات، اهمیت آنها برای اقتصاد کشور عریضه باشد، باید از این پس طوری خود را اداره کنند که نیازمند کمک دولت نباشند. در غیر اینصورت نخواهند توانست بکار تولیدی خود ادامه دهند. موسسات تولیدی بهای محصولات خود را خود تعیین میکنند، آنها حق ندارند مستعماً با مشتریان خارجی برای فروش محصولات خود وارد مذاکره شوند. در این برنامه دولت به "سرمایه های خصوصی خارجی" اجازه میدهد که در کشور چکسلواکی سرمایه گذاری کنند و حتی این سرمایه ها را تسویق هم میکند، تولید و تجارت خصوصی کوچک مجاز شمرده میشود و از این قبیل.

در اروپا طی این تحولات اقتصادی تحولاتی در زمینه اجتماعی صورت میگیرد. "این امکان داده میشود که سازمانهای تازه در جامعه پدید آید" یعنی بر طبق آن احزاب سیاسی دیگری در کشور میبایست تأسیس کرد اما در این میان "حزب کمونیست" نقش رهبری را بر عهده خواهد داشت. "چکسلواکی باید به صورت کشوری در آید که در آن ایدئولوژی بورژوازی بنواند با ایدئولوژی سوسیالیستی مقابله کند". البته همه اینها کارهای گذر و رفرمهای موقت و بر اساس اصل تنوع ساختمان سوسیالیسم در کشورهای مختلف انجام میگیرد. بخوبی یکی از مشکلاتی است که این سوسیالیستی خواهد بود که از سرچشمه سنتها کاملاً ملی آب میخورد و میتوان گفت سوسیالیستی خواهد بود از رفرمهای آنها.

رفرمهای آنها... بقیه از صفحه ۱
 ۱ - رفرمهای آنها معتقدند که از آنجا که جنبش در داخل کشوری ضعیف است و در واقع دوران فروکش را میگذرانند بنابراین رفرمها نمیتواند در انتظار جنبش وسیعتری بود. البته وسعت جنبش در خارج با جنبش مردم در داخل کشور ارتباط متناسب خاصی دارد ولی نباید این ارتباط متناسب را مکانیکی دانست و تنها بطور امر نگریم. اگر صدای خلق در داخل کشور خاموش است به علت عدم آگاهی و فقدان رشد فکری مردم نیست بلکه رژیم سرور و اختناق فعلی میگذرد هر صدایی را به خفقتان اندازد. اگر مردم ایران از آزادی نسبی - نظیر آزادی نسبی دانشجویان در خارج کشور - برخوردار بودند، مسلماً فریاد مبارزات حق طلبانه آنها گوش رفرمهای آنها را هم میگرد و آنوقت حتی رفرمهای آنها وسعت جنبش در داخل کشور را هم میدیدند. حتی با وجود فقدان هر گونه آزادی عمل صدای دانشجویان ایرانی که در داخل کشور مبارزه میکنند بکش جهانیان میرسد و تنها رفرمهای آنها هستند که جنبش دانشجویان شجاع داخل کشور را نا چیز میسازند. آنچه امروز میتوان جنبش دانشجویان را - مثلاً در خارج از کشور - وسعت بخشید رشد سیاسی آنها و آگاهیشان از تضادهای اساسی جامعه ایران است.
 ۲ - بعقیده آنها ترکیب خود جنبش صفت آنها همیشه در بر دارد. یعنی از یکطرف (دانشجویان) اگر از طبقات مرفه

نوع سوسیالیسم ما از آنکه که شاید وجوه مشترک زیادی با مارکسیسم ندارد. این گفته کاملاً با حقیقت وفق میدهد. رفرمهای کشورهای حزب توده ایران که از حوادث چکسلواکی و لهستان دچار سراسیمگی گردیدند باید به یاد داشت که اطمینان میدهند که چکسلواکی سوسیالیسم و اتحاد شوروی وفادار خواهد ماند. دلیل آنها هم اینست که در هیچ کشور دیگر اول تازه حزب "کمونیست" از پیوند کشور با سوسیالیسم سخن رانده است. رفرمهای آنها تمام تحولاتی را که در زمینه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روی داده و روی میدهند تماماً عادتاً بدست فراموشی می سپارند و سخن خشک و حالی در هیچ راهی را ملاحظه فرمایند. این آقایان در دورانی که حتی شاه ایران اقدامات ضد ملی و ضد توده های خود را بنام "سوسیالیسم" جهانیان ارائه میدهند این انتظار کردگانه را دارند که در هیچ صریحاً اعلام کند که میخواهد کشور را از هم بیشتر بسوی احیای سرمایه داری سوق دهد. حصلت رفرمهای آنها هر اندازه هم که براساس تضاد باشد اینست که سخنان خود را با چاشنی مارکسیسم - لنینیسم همراه میکنند. رفرمهای آنها حزب توده ایران توده های مردم ایران را میفریبند و میگردانند ماهیت حوادثی را که در چکسلواکی و دیگر کشورهای رفرمها میگذرد از نظر آنها بیرون میسازند. اما آیا میشود همه را برای همیشه فریفت ؟

پس از پیدایش اردی سوسیالیسم، امپریالیسم آمریکا که از اعمال فخر برای بازگرداندن کشورهای سوسیالیستی بدنیای سرمایه داری مایوس شده بود این وظیفه را در برابر خود قرار داد که از راه تکامل مسالمت آمیز این کشورهای پشت پرده آهنگین را "تبدیل نماید آزاد" بازگرداند. در بودجه آمریکا سالیانه صد میلیون دلار با این کار اختصاص داده شد. برای بخش تبلیغاتی زهر آلود در کشورهای سوسیالیستی، راه پوی "آزادی" ایجاد کردید با این منظور که اقدامات لازم را بعمل آورند و کامیابی لازم را در دارند برای آنکه سر نوشت خلقهای پشت پرده آهنگین بهبود یابد و در جامعه آنها نظم دموکراتیک پدید آید. کاری را که امپریالیستها با صرف هزینه های کلان و کوششهای فراوان نتوانستند از پیش ببرند رفرمهای کشورهای اتحاد شوروی و کشورها دیگر انجام آنرا بر عهده گرفتند. رهبران رفرمهای این کشورها جامعه سوسیالیستی را به فخر با بر گردانند و شیوه های تولید خصوصی را در جامعه معمول داشتند، متوله سود و منفعت و پول را دوباره بر سراسر جامعه مسلط ساختند و اکنون در کشور چکسلواکی تحت عنوان "لیبرالیسم" و "دموکراتیزاسیون" ضربه های آخر را بر آنچه که از سوسیالیسم باقی مانده وارد میآورند. اینست آن نقش شومی که رفرمهای آنها پس از مرگ استالین در اردوی سوسیالیسم بازی کرده است و از این پس نیز بازی خواهد کرد. آیا باز هم رفرمها اهمیت مبارزه با رفرمهای آنها را میدیدند ؟

هستند که با اصولاً اهدافی جنبش مخالفند و یا در فعالیت های اجتماعی شرکت نمیکند و از طرف دیگر... بنا بر این بنظر آنها اگر جنبش در داخل کشور هم در دوران فروکش نمی بود باز نباید از جنبش دانشجویی انتظار زیاد داشت. زیرا دانشجویان غالباً از طبقات مرفه هستند که اصولاً اهدافی جنبش مخالفند. بعقیده ما اولاً اکثریت دانشجویان ما از لحاظ طبقاتی به خرد بورژوازی شهری تعلق دارند و از آنجا که در بورژوازی شهری در تضاد با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی است باید دانشجویان را بالقوه در تضاد با رژیم بدانیم و ثانیاً در کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بطور کلی جهت مبارزات دانشجویی در دموکراتیک و ضد امپریالیستی است. البته دانشجویان این کشورها - هر قدر هم که شرقی باشند - سه تنهایی قادر به حل تضادهای اساسی جامعه خود نیستند ولی نا دیده گرفتن نقش پر ارج دانشجویان این کشورها و بدیده نکردن کلیه عواملی که جنبش آنها حاصل ملی و دموکراتیک میدهد خطای بزرگی است.
 ۳ - آنچه در بالا گفتیم در داشت "عینی" رفرمهای دانشجویی دانشجویی است. با این برداشت عملاً گوش میشود که جنبش دانشجویی تنها در چهارچوب همان امکاناتی که رفرمهای آنها برایش فایده اند کام بر دارند. مثلاً بقیه در صفحه ۳

